

# ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

با آثاری از:

علی بلوکباشی

عبدالرضا انصاری (مصاحبه)

سید حسین رضوی برقی

ایرج پارسی نژاد

محمد رضا شفیعی کدکنی (برگزیده ها)

بیژن شاهمرادی

سید محمود کاشانی

محمد علی طالقانی

جلال متینی

مجدالدین کیوانی

بیژن نامور

لطیف ناظمی (افغانی)

پیرایه یغمایی

احسان یارشاطر

# ایران‌شناسی

ویژه پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران  
وزبان و ادبیات فارسی

دوره جدید

مدیر

جلال متینی

نقد و بررسی کتاب

زیر نظر: حشمت مؤید

بخش انگلیسی

زیر نظر: ویلیام ال. هُنوی، دانشگاه پنسیلوانیا

هیأت مشاوران  
پیتر چلکوسکی، دانشگاه نیویورک  
جلال خالقی مطلق، دانشگاه هامبورگ  
راجر سیوری، دانشگاه تورنتو  
حشمت مؤید، دانشگاه شیکاگو

مشاوران متوفی  
ذبیح الله صفا، استاد ممتاز دانشگاه تهران  
محمد جعفر محجوب، دانشگاه تربیت معلم تهران

مقالات معرف آراء نویسندگان آنهاست.

نقل مطالب «ایران شناسی» با ذکر مأخذ مجاز است. برای تجدید چاپ تمام  
یا بخشی از هر یک از مقالات موافقت کتبی مجله لازم است.

تمام نامه ها به عنوان مدیر مجله به نشانی زیر فرستاده شود:

The Editor: Iranshenasi

P.O. Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A.

تلفن: ۲۵۶۴ - ۲۷۹ (۳۰۱)

فکس: ۲۶۴۹ - ۲۷۹ (۳۰۱)

بهای اشتراک:

در ایالات متحده آمریکا، با احتساب هزینه پست:

سالانه (چهار شماره) ۷۵ دلار، برای دانشجویان ۶۵ دلار، برای مؤسسات ۲۰۰ دلار

در خارج از آمریکا، هزینه پست هوایی افزوده می شود:

کانادا ۲۴ دلار، سایر کشورها ۴۸ دلار

## آیینهای سوگواری در بختیاری

(۱)

آیینهای سوگواری یکی از ارزنده ترین آیینها برای پژوهش در شناخت فرهنگهاست، با همه ریزه کاریها و تا ژرفترین لایه های هر فرهنگی. آنچه در گذار این بررسی و پژوهش یافتیم از چند، یاجندین، باره در خور نگرش بود، روشهای سوگواری بختیاریان در گذر زمان یکساخت و بی کم و کاست بر جای مانده چه بافتار آن با «منطق» استوره های ایرانی همپوشانی دارد. دو دیگر، آیینهای سوگواری ایرانی در سراسر تاریخ ایران یکسان مانده که آیینهای کنونی در بختیاری، نمونه ای ست از آن.

تک نگاری:

۱- آگاه کردن خانواده داغدیده:

چنانچه کسی یا کسانی پیش از خانواده داغدیده از مرگ تنی از آن خانواده آگاه شده باشند، باید ایشان را به روش و آیین از این رویداد آگاه نماید. از این رو، نخست شماری از ایشان نزد نزدیکترین بستگان مرده، به ویژه بزرگتر ایشان که در دسترس باشد می روند. پیش از بازگفتن آنچه که روی نموده است به گردآوری پراکندگیها و رفت و روب کردن خانه یا چادر می پردازند. سپس دو تن از ایشان، دو سوی داغدیده نشسته، می گویند: «فلان کس تو به رحمت خدا رفت.» چنانچه خویشی نزدیکتر از این داغدیده به درگذشته باشد، همگی گریه و مویه کنان به سوی او روانه می شوند. در این بخش از آیینها مانند همه آنچه

که پس از آن تا انجام کار برگزار می شود، زنان گرداننده کارهایند. بختیارها بر این باورند که چون مردی بزرگ درگذرد یا کشته شود هوا آشفته شده، آسمان تیره گشته، خورشید از تابیدن می ماند.

۲- لیک و واک *lĕk o vāk*

هنگام روانه شدن سوگواران، زنی که داغدار شده است، نخستین جیغ، یا لیک را سر می دهد و دیگران به او پاسخ می دهند. این پاسخ را واک می گویند. آیین لیک و واک تا پایان آیینهای خاکسپاری، گاه و بیگاه، بارها و بارها از سر گرفته و برگزار می شود.

۳- گُ گریوه *gogariva*

پس از گرد هم آمدن سوگواران، نخستین آیینی که برگزار می شود «گُ گریوه» یا «گفتن و گریستن» است. در این آیین از ویژگیها، رفتار، زندگی، کارهای نمایان و مرگ مرده یاد می شود. در گُ گریوه مردان بزرگ از دلیری، جنگها، اسب، پیراهن خونین و تفنگش یاد می شود. برای زنان بزرگ، آزر، بردباری و هنرهاشان را یادآور می شوند.

با این گفته ها گریه سنگین و پیوسته همراهی می کند. برابر آیین، نخست، تکخوان «بیتی» می خواند. سپس سوگواران با تکخوان همراه شده. بیتهای پس از آن را همسرایی می کنند. در این هنگام و به همان آهنگ گروه سوگواران با نوای «هی هی» آرام و بم که گام به گام با گریستن همراهی می کند پیوسته و به همان هنجار اوج می گیرد، سوگواری، یا به گفته بختیارها شیون *šēvan* را پیگیری می کنند. این آیین نیز در جاهای دیگر همراه و همزمان با دیگر آیینها برگزار می شود.

هر چند آیینهای سوگواری بختیاری تنها برای بزرگان برگزار می شود. با این همه، همه مردم از هر پایه که باشند در آن همباز می شود. نیز در همه زمان سوگواری، زنان و شوهران یکسره از یکدیگر پرهیز کرده از خوابیدن در کنار هم و همخوابگی خودداری می کنند، زیرا این کار سخت ناروا و بدشگون دانسته می شود.

۴- سُرو و شمال *sour-wo-tošmāl*

مویه گری با «سُرو» خوانی همراه است. «سُرو» را تکخوان، که زنی از گروه زنان و بیشترین میانسال و بیشتر است، آغاز می نماید. چنانچه وی همه بیتهای درخور را بداند خود سروخوانی را دنبال می کند، و چنانچه نداند، دیگرانی که می دانند کار را پی می گیرند. آنچه در سروها بازگو می شود خورد مرده و منس و جایگاه او در زندگی و به گونه گفتار رو به رو با وی و چنان است که نه بامرده ای، که با زنده ای گفتگو می شود.

گفتار این سروها درجا و همان هنگام مویه سرایی بر مردگان سروده می شود. سرودها

## ایران شناسی، دوره جدید، سال ۲۶

برای بزرگان، دلیران و کشتگان ایل و طایفه سروده می شود، بی آن که گوینده شناخته شود. بیشتر سروها چندی پس از سروده شدن فراموش می شود، مگر آنهایی که برای کسان بسیار گرامی ایل سروده شده باشد. چند نمونه کوتاه از این گونه سروده ها را در این جامی آوریم:

۱ نَهِیو «وَزَنه» وِذَه زِ جَو وِ رَاهَه بسا که تیر قضا وت نَذَاهَه

نَهِیو «وَزَنه» وِذَه زِ جَو بِپَهَرَه بسا که تیر قضا، وت نَگَهَرَه

آوانگاری:

*nahēva vāzna vāsa zaju varāha*  
*basā ka tēr a yazā vat nasarāha*  
*nahēva vāzna vāsa zaju bapātra*  
*basā ka tēr a yazā vat nagāra!*

برگردان فارسی

وزنه (گونه ای اسب) راهی کن از جوی بگذرد بشود که تیر سرنوشت بر تو نگذرد

وزنه راهی کن از جوی پرش کند بشود که تیر سرنوشت بر تو در نگیرد

۲ رُوم چون «کُل کَمَری» هُونَه بسازم باد اوی هُونَمَه کند بیچاره مَندَم

آوانگاری

*raom čē kot kamari hunā basāzom*  
*bād ovay hunoma kand bēčārah - mansom*

برگردان فارسی

می خواستم چون «کُل کمری» بروم آشیانه ای بسازم

باد آمد و آشیانم را برکند و بیچاره ماندم

۳ دو راهونه کی نهارامون «بَت وَنِذَه» مودلم ز گچیری ویر وا تو وَنِذَه

آوانگاری

*de rāhoone kē nahā, rāmoon batwandaḥ*  
*mo do lom za kočēri vēr vā te vandeta*

## برگردان فارسی

دو راهی را کی بر نهاد، راه ما به سوی «بت وند» (جایی در جنوب بختیاری) است.  
دل من از کودکی با تو یاد دارد

همزمان با آغاز آیینها، گروه نوازندگان؛ شمال، که یک نوازنده ساز بادی، یک تن نوازنده دُهل و یک تن نوازنده جایگزین که «دَس پتی» (= دست خالی) das pati خوانده می شود، به نواختن آهنگ ویژه سوگواری می پردازند. این آهنگ اندوهگین را «شمال چپ» می گویند. «ساز چپ» می گویند. ساز چپ تنها در سوگ مردان جوان یا بزرگان و سرشناسان، به گویش بختیاری «سردیار» sar déyár خوانده می شوند، نواخته می شود. در سوگ زنان، شمال، یا «هندی»، و موسیقی کاربردی ندارد.

## ۵- آمدن مردم به سوگ

مردمی که از طایفه های دیگر برای پرسه می آیند زن و مرد همراه و به گروه می آیند. هر دسته به فراخور توان دو یا چهار سر اسب کتل، گاه بیشتر، همراه می آورند. به نشانه بزرگداشت مرده و خاندان و طایفه او، گاه یک و گاه بیش از یک گروه شمال هم با خود می آورند. نزدیکی آبادی، یا جای سوگواری، زن و مرد پیاده شده اسب و استر خود را به دست کسانی که از سوی خانواده سوگوار به پیشواز آمده اند، می سپرند. خانواده سوگوار اسبهای کتل را همراه سازنده (=نوازندگان) پیش انداخته خود از پی آمده، مردان هر دو گروه رو به روی یکدیگر به رج می ایستند. زنان هر دو گروه نیز همچنین. سپس زنان و هر گروه به آواز رسا به «واویلا» خواندن می آغازند. زنان، همچنان به خواندن، آرام آرام به سوی گروه رو به رو روان می شوند. مردان از دو سو میان سر زنان، سینه کوبان به آوای بلند فریاد کنان مرده را یاد کرده می گویند: ای رستم دوران، ای اسفندیار زمان، ای شاهمی، سردارمی روانه شده به گروه دیگر برسند. در این جا لختی ایستاده چشم به راه بزرگی از سوگواران می مانند تا بیاید و دست بزرگتر آمدگان بگیرد و به جای برگزاری پُرسه ببرد. باز این جا و بیدرنگ پس از درآمدن به پرسه اندکی می گریند.

## ۶- پُرسه، نشست سوگواران

هنگام گردآمدن سوگواران، بزرگ داغدیدگان بالاتر از همه می نشینند، تا هم آمدن مردم به پرسه را ببیند و هم نشانه ای باشد بر بزرگداشتش. بزرگان — خانواده و دوده و طایفه و مانندگان ایشان نیز در جایگاههای نزدیک به او جای گرفته، می نشینند. جوانان و فرودستان در جاهای پایین دست می نشینند. در گردهمایی زنانه، زن داغدار با فرا آمدن هر یک از خویشان و آشنایان جیغ زده خود را می خراشد و موی پریشان کرده آن را چنگ

می زند. در همان هنگام دو تن از زنان بزرگ و بزرگوار خانواده یا طایفه دو سوی او می نشینند تا وی اندازه نگهدارد و خود را چندان نزند و نخراشد. در گردهمایی مردانه چنانچه بزرگ خانواده داغدار مردی جوان باشد، خود برخاسته به پیشواز آیندگان می رود و با ایشان دست می دهد، و گرنه بر جای خود می نشیند تا آمدگان، که در گروههای طایفه ای فراهم آمده اند نزد وی بیایند. کمابیش همه آشنایان، خویشان، و طایفه های همسایه به سوگ و پرسه می آیند. سوگواران، مرده را چه پیر و چه جوان بوده باشد، بزرگ می دارند. در روز پایان، سه روز یا یک هفته، بزرگ داغدیدگان، پایین دست و نزدیک در می نشینند تا با آمدگان بدورد بگویند.

#### ۷- هزینه های سوگواری

برابر آیین، خانواده سوگوار به سنگینی هرچه بیشتر هزینه می کنند و مزدی برای هزینه های سوگواری نیست. بیشترین، همه دارایی خانواده برای پرداخت این هزینه ها و پذیرایی مهمانان به کار می رود، به گونه ای که خانواده سوگوار یکسره «ورشکست» گردد.

#### ۸- سرباره *sar bārah*

کسانی که به پرسه می آیند و در سوگواری همباز می شوند با پول یا کالا به خانواده سوگوار یاری می رسانند. آنچه که پیشکش می شود «سرباره» خوانده می شود. سرباره تنها از همطایفه ها پذیرفته می شود.

گاهی می شود که کوچ روها «سرباره» را تا یک سال پس از خاکسپاری مرده می آورند، زیرا برخی کسان باید خود را از جاهای دور به خانواده سوگوار برسانند. بزرگداشت سالگرد مرده نیز در بختیاری رواج دارد. این آیینها نیز، همچون آیینهای نخستین با هزینه های سنگین همراه است. بنابراین سرباره هم می آورند. هر چند این بار به میزانی کمتر از بار نخست است.

#### ۹- نشانه های سوگواری و آیینهای بزرگداشت

فراخور بزرگی و جایگاه مرده در میان ایل، یا به انگیزه جوانی، دلیری و شهید بودن وی آیینهایی برگزار می گردد که یادکرد وی و نمادی از بزرگداشت اوست.

۱ - ۹ - تراشیدن ریش؛ مردان به نشانه سوگواری تا یک هفته پس از مرگ مرده از تراشیدن ریش خودداری می کنند. سر هفته با آیینهای ویژه ای که یاد خواهد شد، موی از چهره می ستزند.

۲ - ۹ - پشت و روی کردن کفپوش؛ هنگام گردآمدن سوگواران، کفپوش را، هر چه باشد، به واژگونه زیر پای می نهند، گاه گلیم و فرش و مانده های آن را یکسره

بر می چینند.

۳ - ۹ - برچیدن بهون bohun؛ چنانچه یکی از بزرگان یا جوانی از جوانان درگذرد یا کشته شود، بهون یا سیاه چادر خانواده برچیده می شود. گاهی در مرگ بزرگی از طایفه یا ایل، سدها و هزاران بهون برچیده می شود هر چند که هوا بد باشد و برف و باران سنگین بارد. این آیین تا هفت روز دنبال می شود.

۴ - ۹ - دست کشیدن از کشت؛ این نیز آیینی هفت روزه است که در گذر آن کشت و ورز را بیکار کرده چارپایان را هم از کشتزار دور می کنند.

۵ - ۹ - واژگونه کردن ابزار کشت؛ با دست کشیدن از کشت و ورز، همه درو و کشت ابزارها را واژگونه کرده بر کشتگاه بر جای می گذارند. واژه بختیاری برای واژگون کردن *karšan* *karšowā* است.

۶ - ۹ - گریبان و جامه دریدن؛ سوگواران به نشانه اندوه و سوگواری، گریبان چاک زده، جامه بر تن می درند.

۷ - ۹ - گریستن؛ تا هنگامی که داغدیدگان می گریند، زنان مهمان هم باید همراه ایشان بگریند.

۸ - ۹ - موی آشفتن؛ مردان و زنان؛ هر دو این آیین را برگزار می کنند.

۹ - ۹ - گیسو بریدن؛ به نشانه سوگواری برای جوانان و بزرگان و به ویژه شهیدان، زنان، آن بخش از گیسوان خود را که آشکار است می برند. هرچه مرده گرامیتر، یا مرگ او انگیزه اندوه بیشتری باشد، میزان بیشتری از مو بریده می شود. با این همه، بیشترین، همه گیسوان را می چینند. واژه بختیاری برای گیسو «پل pal» و برای چیدن، «چگنیدن *čagren*» است.

۱۰ - ۹ - تراشیدن موی سر؛ در سوگهای بزرگ، مردان نیز به نشانه سوگ موی بخش پیشین سر خود را می تراشند. تراشیدن را «تاشنیدن *tašnidan*» می گویند.

۱۱ - ۹ - سینه برهنه کردن؛ در مرگ یا کشته شدن جوانان و نامداران ایل، زنان سینه خود را برهنه می کنند. گاه همه پوشاک رویی را از تن بیرون و تنها با زیرجامه سوگواری می نمایند.

۱۲ - ۹ - سیاه پوشیدن؛ چهل روز، سه ماه و گاهی تا یک سال، خویشان دور و نزدیک، همسایگان و آشنایان، همگی رخت سیاه بر می کنند. مادر، خواهر و همسر مرد مرده گاهی بیش از یک سال نیز رخت سیاه را در بر نگه می دارند. بسیاری زنان میانسال یا سالدار شوی از دست داده که تا پایان زندگی رخت سوگ از تن به در نمی کنند.



۱۳ - ۹ - چادر بستن؛ زنان پیش از درآمدن به خانه سوگواران دو سر چادر خود را گره زده، آن را پیچانده دور گردن می اندازند. خود چادر را از سر برداشته همچون شنل بر دوش می افکنند. همه سر با روسری پوشانده است. با همین دیدار و بیدرنگ پس از درآمدن به خانه یا میانه سوگواران، به «سرو خوانی» می پردازند. این کار تا پایان پرسه دنبال می شود. به هر روی خویشان و نزدیکان چون از خانه روانه می شوند «چادریسته» هستند، و دیگران همان نزدیکی جایگاه سوگواران چادر می بندند.

۱۴ - ۹ - رخت و رَوَنَدَن «*raxt varvanān*»؛ تا یک سال پس از مرگ مرده، گاه دو هفته در میان، گاه یک هفته در میان، و گاه، بسته به گرمی بودن مرده هر روز، زنان در خانه داغدیدگان گرد می آیند و یکی از رختهای پاک و درست مرده را، و اگر چنین پوشاکی در دسترس نبود، جامه نوی به یاد و نام او دوخته، در میانه گذاشته، چنبره وار گرد آن نشسته، گیسوان بریده بافته شده خود را در میان آن نهاده به سنگینی بر آن می گریند. این آیین را تنها زنها برگزار می کنند.

۱۵ - ۹ - روی خراشیدن؛ زنان به گونه های خود سیلی می زنند و با ناخن چهره خود می خراشند تا خون روان گردد.

۱۶ - ۹ - خاک بر سر ریختن؛ مردان و زنان هنگام خاکسپاری مرده، خاک را چنگ کرده بر سر می ریزند.

۱۷ - ۹ - آسپ و آرازنیدن «*āsp varāz nīdan*»؛ در مرگ مردان بزرگ یا جوان شهید اسب او را می آریند. به این کار کتل *kotal* بستن هم می گویند. به روشی که در بخش «مردان بختیاری، الف ۱ - اسب در سوگ» یاد شد.

۱۸ - ۹ - مافه «*mafā*»؛ در جایی باز سکویی از سنگ که در نزدیکی ۱/۵ متر بلندی و ۱/۵ متر فراخنا دارد فراهم می آورند. این سکوی سنگی گاهی نزدیک به گور و گاهی دور از آن برپا می شود. سکوی سنگی ساخته شده را «مافه *mafā*» و جایگاه برپایی آن را «مافه گه *mafā gah*» می خوانند. مافه را با روپوشی از پارچه پشمی یکدست و ستبر با پهنای کم و درازای گاه تا هفت متر که «لی *lī*» خوانده می شود می پوشانند. هرچند «لی» بیشترین سیاه رنگ است، می شود هم که به دیگر رنگها باشد. پس از آماده شدن «مافه»، که آن را «چیر *čēr*» و ساختنش را «چیر و آرنیدن *čēr varānīdan*» هم می گویند، مرده را روی آن می گذارند. بیشتر طایفه ها به جای کالبد مرده، تندیس ای از چوب به دیدار انسان ساخته، چهره تندیس را سیاه کرده، رخت او را به تندیس می پوشانند. به جای «لی» نیز رختخواب می گسترند. پیرامون سکو نیز داراییها و ابزارهای مرده همچون

کارد و شمشیر و تفنگش را جای می دهند. مردم «میانکوه»، طایفه هایی که میان «زردکوه» و «سفیدکوه» زندگی می کنند، بیشتر به تندیسه ای که می سازند «طلسم» می گویند و با آن چنان رفتار می کنند که گویی کسی ست، و زنده! نیز جانوران کوهی را شکار کرده پوست آنها را گاه آگین نموده دورادور «مافه» می نهند.<sup>۱</sup> طایفه هایی که کالبد مرده را روی «مافه» می گذارند، آن را با یک دست شال کشمیری می پوشانند.

در این هنگام، پس از برآوردن «مافه»، دو تن از زنان میانسال که «سرو» بدانند با پا گذاشتن در جا پایی که در تنه «مافه» کار گذاشته شده است و «کالک kalak» خوانده می شود، روی «مافه» رفته روی به مردم ایستاده آغاز به «سرو» خوانی می کنند. «ساز چپ» نواخته می شود و زنان دست یکدیگر را گرفته گرداگرد «مافه» به «رقص چپی» می پردازند. این رقص همچون رقص ویژه شادمانی، «رقص سه پا» است. در هر دو رقص یک گام به پس و سه گام به پیش می نهند، با جستن. مگر این که هنگام شادمانی به راست و در سوگ به چپ گردش می کنند. در رقص چپ دستمال هم به کار نمی برند. در سوگ جوانان، زنان گاه و بیگاه، «کل kel»، که هلهله شادی و ویژه جشنهاست، بر می کشند. اسبان کُتل را در همین میانه به «مافه گه» آورده، گرداگرد مافه می گردانند. در این هنگام همگان به سختی و فراوانی می گریند و می مویند. بختیارها چنین باور دارند که در این گاه اسب کُتل بسته مرده هم اشک به چشم آورده همراه سوگواران می گیرد.

«مافه» ها گاه گرد و گاه چارگوش ساخته می شود. تا پس از پایان آیینها تا کسی هست که آنها را بپاید، برپا خواهد ماند. چنانچه مرده را در میان مردم جایگاهی بالا و فرادست باشد، «مافه» را روی گورش و چنانچه اندکی پایینتر باشد، در جایگاهی دور از گورش بر پای می دارند. هنوز میان برخی طایفه ها روش چنین است که دور سکوی «مافه» را هم سیاه می کنند.

۱۹ - ۹ - آمدن سواران به سوگواری؛ سواران لگام اسبها در دست، پیاده، در پهلوی چپ اسب، به جای پهلوی راست، به «مافه گه» آمده از چپ به راست گشت می زنند. زین اسبها واژگونه و در سوگهای خیلی بزرگ یال و دم آنها بریده است. اسب دم بریده را «کُل kol» می گویند. بزرگ داغدیدگان به پیشواز می رود و با یکدیگر از بسیاری چیزها سخن می گویند و می شنوند، مگر مرگ و مرده.

۲۰ - ۹ - کلاه از سر گرفتن؛ مردان بختیاری هیچگاه کلاه از سر بر نمی گیرند، مگر به هنگام رویدادهای بزرگ و برابر روشهایی از پیش باز نموده. سوگ مردان بزرگ یکی از آن زمانهاست.

۲۱ - ۹ - شال به گردن انداختن؛ مردان هنگام آمدن به پرسه شالها از کمر باز کرده به گردن می اندازند، به روش سخن گفتن پیشینیان به گونه «لام الف لام!»  
 ۲۲ - ۹ - گیوه سیاه کردن؛ زنان گیوه خود را که همواره سفید است، در سوگ به رنگ سیاه در می آورند.

۲۳ - ۹ - سر در خانه؛ بالای آستانه خانه ها را هم هنگام سوگ سیاه می کنند.

۲۴ - ۹ - گل به سر مالیدن؛ در سوگهای بزرگ، زنان و مردان بخش پیشین سر خود را به گل آغشته می کنند.

۲۵ - ۹ - پلاس پوشی؛ تا چند گاهی پس از مرگ مرد بزرگ؛ نزدیکان و خویشان پلاس و کهنه می پوشند، یا تنپوش را پشت و رو بر تن می کنند. گاهی بزرگان بالاپوش نم‌دین چوپانان، کوردین *kurdin*، در بر می کنند.

۲۶ - ۹ - چرخاندن دستها؛ در سوگواریها، زنان دو دست خود را به گونه ای نگه میدارند که کف یک دست بالای رویه دست دیگر باشد و آنگاه هر دو دست را به سوی بیرون تن خود همچون چرخه ای می چرخانند. این کار تنها هنگام سوگواری رواست، زیرا به باور بختیاریها کاربست این آیین به جز به گاه سوگواری بدشگون است و اندوه زا و مرگ آور!

۲۷ - ۹ - گوشه گیری؛ نزدیکان مرده در زمان ویژه سوگواری، از همباز شدن در زندگی به هنجار همه روزه ایل خودداری کرده کناره می گیرند.

۲۸ - ۹ - دنبال هم چیدن دیگها؛ دیگ و دیگچه هایی را که برای پختن خوراک به هنگام سوگواری به کار گرفته شده است، برای شستن، زنجیره وار دنبال هم می چینند. این کار را «رغات *ragat*» کردن می گویند و جز هنگام سوگواری آن را بدشگون می دانند.

### ۱۰ - آیینهای خاکسپاری و سر خاک

چنانچه در گذشته، میان راه کوچ مرده باشد، تن او را برابر روال در آب روان نزدیکترین رودخانه، که بر آب ایستاده برتر انگاشته می شود، شسته، پس از نمازگزاردن سید همراه ایل، یا سید پیرشاه، که امامزاده بزرگ آن جایگاه باشد، برای خاکسپاری می برند پس از پایان نشست سوگوارانه، گروه مردم، تا رسیدن به گورستان به نوای «ساز چپ» «رقص چپ» گنان، موی و روی گنان، گریبان و جامه دران و به بانک بلند گریان، به دنبال مرده روان می شوند و در همه این گذار «لیک و واک» می کنند. مرده اگر جوان باشد، زنان گاه و بیگاه «کِل» می زنند. مرد مرده را که در گور می نهند یک شاخه از درخت مقدس «گنار» (سدر) زیر بازوی وی می گذارند و آن گاه گور را با خاک می آکنند.

در گویش بختیاری به گورستان «مورون *mawrun*» یا «خاکسون *xākassun*»

می گویند. بخشی از آیینها در «مورون» و بر سر گور مرده برگزار می شود. پس از رسیدن زنان به گورستان، مادر، خواهر یا همسر مرد درگذشته بالای گور گرد هم می آیند و در میانه گرییدن و موییدن دست در خاک گور کرده از آن خاک بر سر خود می ریزند و بر سر می زنند و روی و موی خود را می خراشند و می کنند. زنان مویه گر نشسته بر خاک، خودزنان، پیوسته خویشان را با پس و پیش بردن تنهانشان، تکان می دهند.

دیگر زنان همواره پاس دارند که زنان نزدیک مرده خود را بیرون از اندازه و پیمان خسته نکنند، و به همین انگیزه از پس چندی که مویه سرایی کردند از ایشان می خواهند که از جای برخیزند تا مردان بر جای ایشان بنشینند. چون ایستادگی کرده بر نمی خیزند، ایشان را به زور از جای بر می کنند. بسا که داغدیدگان بگویند دیگر خود را نخواهند زد و نخواهند خراشید با این همه چون به خویش واگذاشته شوند، از سر نو همان می کنند که از آن پرهیز داده شده اند تا آن جا که از هوش بروند. دیگران ایشان را در بیهوشی از گور دور می کنند. در همه این گذار، «سازنده»، «چپ» می توازند و زنان می گریند و زاری می کنند و «سرو» می خوانند و «کل» زده، چپی می رقصند. در این میان داربو (=عود) می سوزانند و بر همگان گلاب می افشانند. در پایان آیینهای سرخاک، شمع و چراغ روشن کرده، آتش می افروزند. روشنایی را تا سه شبانه روز بر گور برافروخته نگه می دارند.

### ۱۱- آیینهای پایانی

از همه کسانی که برای سوگواری و پرسه آمده اند با چای و سیگار و قلیان و ناهار پذیرایی می کنند. پس از «فاتحه خوانی» بی هیچ گونه «سرو» خوانی و مانند آن، چای می آورند و این نشانه پایان آیینهاست. داغدیدگان یا بزرگ ایشان هنگام بیرون رفتن مهمانان از راهنمایی و همراهی ایشان خودداری می کند تا مبادا سوگ را با خود ببرند. به گاه بدرود دست و روی یکدیگر می بوسند و زن داغدار از مهمانان سپاسگزاری می کند.

از پس این همه، یکی از زنان نزدیک به زن داغدار از جای برخاسته گره چادر زنان دیگر را باز می کند و همان گاه با ایشان «خوش و بش» کرده، می گوید: «جای بد نروید»، «ان شاء الله چادر زیارت سر کنید». ایشان هم در پاسخ می گویند: «بد نبینید»، «غم آخرتان باشد»، و دیگر بار و هنگام بیرون رفتن از خانه یا چادر داغدیدگان، به ایشان دلخوشی داده، می روند. شایان یادآوری است که هر چند در شهرهای بختیاری نشین، پوشاک ایلی کمتر بر تن مردم دیده می شود، در سوگواریها، به ویژه زنان، تنها با پوشاک آیینی ایل یا به گفته خودشان «رخت رسمی» می آیند.

این آیینها همیشه با پذیرایی ناهار از مهمانان پایان می پذیرد. سپس خانواده سوگوار

چنانچه در ایل باشند سیاه چادری برپا می کنند و همطایفه ها، خانواده به خانواده به دیدارشان آمده «سرباره» می آورند. در شهر و روستا آیین پذیرش «سرباره» در خانه برگزار می شود. به هر روی آیین پذیرفتن «سرباره» از سه روز تا یک هفته به درازا می کشد. آیینهای چهلهم و سال مرده نیز کمابیش چنین است. این همه بخشی از آیینهای «خیرات» است.

## ۱۲ - عزاورداری azāwordari

پایان سوگواریها با آیینهای ویژه ای برگزار می شود که به آن «عزاورداری» می گویند:

۱ - تراشیدن ریش: یک هفته پس از برگزاری آیینهای خاکسپاری، یکی از بزرگان دیگر خانواده ها یا طایفه های وابسته نزد بزرگ داغدیدگان آمده به دست خود موی از چهره وی می سترد و این نشانه از سر گرفته شدن روال شناخته شده زندگی و آهنگ خویگر شده آن است، از پس چندی آشوب و ایست!

۲ - برپا داشتن دوباره بُهون؛ پس از انجام گرفتن آیین ریش تراشی، «بهونی» را که برچیده بودند، دیگر بار برپا می دارند. برپا دارندگان «بهون» نیز همان کسان وابسته به خانواده و طایفه هستند.

۳ - بیرون آوردن رخت سیاه؛ چهل روز، سه ماه و یا یک سال پس از خاکسپاری مرده یکی از زنان بزرگ خانواده آن کس که مرده است، رخت سیاه از تن خویشان، بستگان، همسایگان، و آشنایان به در می آورد. هماهنگ با نزدیکی آن کس که سیاه پوشیده است، از سوی خانواده سوگوار، رخت، روسری، چادر یا حنا به وی پیشکش می شود. رخت رنگین را نیز آن بانو به دست خویش به تن بستگان و نزدیکان می کند.

۴ - حنا گذاشتن؛ همچون بیرون آوردن رخت سیاه، زنی از خانواده سوگوار، حنا را در خانه خود خیسانده آماده کرده همراه می برد و با زدن نخستین انگشت در آن، آن دیگری را ناگزیر از به کار بردنش می نماید.

۵ - تن شستن؛ یکی از سران ایل یا طایفه به خانه هر یک از بزرگان خانواده سوگوار رفته ایشان را به گرمابه می برد، زان سپس مردان دیگر بار شال به کمر می بندند.

ابزارها و کارهایی نیز که به نشانه سوگ و ازگونه شده بود و از رفتار بازمانده، دیگر بار برپا شده گردش و چنَدش (=حرکت) می گیرد. اینها همه باید پیش از نوروز انجام گیرد، چه باور این است که اگر چنین نشود، خوشی و افزونی از ایل رخت خواهد بست. به همین انگیزه در شب پایان سال کهنه، حلوایی به نام حلوای «عرفات arafāt» پخته، می خورند.

بامداد فردای این آیین، نوروز است. از این زمان است که هنجارِ خو کرده شده زندگی بی کم و کاست بازگشت می کند!

اتریش

### سندها و یادآوریهها:

در یک و نیم سده گذشته تا روزگار ما، خوشبختانه، شماری در خور نگرش از نوشته های بزرگان بختیاری و دیگران درباره آیینهای سوگواری ایشان نگاشته شده، در دسترس است. برابر نوشته های یاد شده، در این میانه، دگرگونی چشمگیری در برگزاری آیینها پدید نیامده است. هرچند امروزه دیگر نشانی از خانهای بزرگ و ماندگان ایشان بازنمانده است، با این همه سوگواری برای سران خانواده و سرشناسان به همان روال کهن به کرده می آید.

- بختیاری، علیقلی (سردار اسعد): تاریخ بختیاری، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۱، صص ۱۹۹، ۱۷۷، ۴۳۰ و ۴۵۷.
- بابادی عکاشه، اسکندر: تاریخ ایل بختیاری، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۵، صص ۹۵، ۱۰۸، ۱۸۶، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۱.
- نیکزاد امیر حسینی، کریم: شناخت سرزمین بختیاری، اصفهان، ۱۳۵۴، ص ۵۵.
- \_\_\_\_\_، کریم: شناخت سرزمین چهار محال، اصفهان، ۱۳۵۷، ص ۱۷۸.

۱ - کریمی، اصغر: سفر به دیار بختیاری، فرهنگسرا، تهران، ۱۳۶۸، صص ۹۱، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۹ و نگارنده آیینهای مردم «میانکوه» را خود ندیده است و آگاهی اش از آن آیینها همین سند است.

# *Iranshenasi*

A JOURNAL  
OF IRANIAN STUDIES

New Series

**Editor:**

Jalal Matini

**Associate Editor:**

(In charge of English Section)

William L. Hanaway

University of Pennsylvania

**Book Review Editor:**

Heshmat Moayyad

**Advisory Board:**

Peter J. Chelkowski,

New York University

Djala Khaleghi Motlagh

Hamburg University

Heshmat Moayyad,

University of Chicago

Roger M. Savory,

University of Toronto

**Former (deceased) Advisors:**

Mohammad Djafar Mahdjoub

Zabihollah Safa

The Views expressed in the articles are those of the authors  
and do not necessarily reflect the views of the Journal.

All contributions and correspondence should be addressed to:

**The Editor: Iranshenasi**

P. O. Box 1038

Rockville, Maryland 20849-1038, U.S.A.

Telephone: (301) 279-2564

Fax: (301) 279 - 2649

Requests for permission to reprint more than short  
quotations should be addressed to the Editor.

Annual subscription rates (4 issues) are \$ 75.00 for individuals, \$ 65.00 for students,  
and \$ 200 for institutions.

The price includes postage in the U.S.

For foreign mailing (Air Mail), add \$ 24 for Canada, \$ 48 for other countries

# *Iranshenasi*

A JOURNAL OF IRANIAN STUDIES

New Series

---

Abstracts of Persian Articles by:

Seyyed Mahmoud Kashani

Jalal Matini

M. A. R. Taleghany

---

Vol. XXVI, No. 1, Spring 2014